

# جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری

■ جلال خوش‌چهره

روزنامه‌نگار



■ برایان مک نیر. جامعه‌شناسی

روزنامه‌نگاری. ترجمه‌ علی اصغر کیا، محمد

رسولی. تهران: جامعه‌شناسان. ۱۳۸۸. ۱۶۶

ص. شابک: ۷-۲-۹۵۸۳-۹۵۰-۶۰۵-۹۷۸

چنان دچار بی‌نظمی در ترجمه و ویرایش است که دانشجویان این رشته به‌سختی می‌توانند با مفاهیم و محتوای آثار منتشر شده ارتباط برقرار کنند. شاید یکی از دلایل کم‌حوصلگی دانشجویان و فعالان عرصه ارتباطات در مطالعه چنین آثاری نیز همین امر باشد. این وضعیت در حالی است که هم‌تایان بیرونی به‌شکل خستگی‌ناپذیر مشغول تئوری‌سازی و مفهوم‌سازی‌های نوین در این عرصه هستند. برای مثال برایان مک نیر از جمله نظریه‌پردازانی است که همواره در حال انتشار مقالات تحقیقی در زمینه روزنامه‌نگاری نوین است و نظریات او اکنون در کانون توجه مراکز دانشگاهی جهان قرار دارد.

## درباره مؤلف

مک نیر نظریه‌پرداز نوگراست که می‌کوشد پیوند حوزه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی و روزنامه‌نگاری را به‌طور مستقل بررسی کرده و مدلی از روزنامه‌نگاری نوین را همپا با عصر نو به نسل جدید ارائه کند. در واقع وی در شمار نظریه‌پردازان نوگرایی است که تعریفی پست‌مدرن - اگر مبالغه نکرده باشم - از کارویژه‌های رسانه‌های ارتباطی در دوران کنونی داشته و برای نهادینه کردن نظریات خود به بازتعریف هنر ارتباطات - و به‌ویژه روزنامه‌نگاری - مشغولند. مک نیر که معمولاً نظریات خود را به‌شکل مقالات تحقیقی منتشر می‌کند، بر این باور

جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری عنوان کتابی است به‌قلم برایان مک نیر، استاد و محقق علوم ارتباطات که دکتر علی‌اصغر کیا و دکتر محمد رسولی آن را به‌طور مشترک ترجمه و انتشارات جامعه‌شناسان برای دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری منتشر کرده است. همان‌گونه که مؤلف امریکایی کتاب تصریح کرده است: «این کتاب عمدتاً به‌عنوان یک منبع یادگیری و آموزشی نوشته شده» (ص ۱۱) و مطالعه آن نه‌تنها برای دانشجویان، بلکه همه تولیدکنندگان عرصه رسانه‌های جمعی مفید و لازم است. این اهمیت از آن روست که به‌قول مایکل اوکشات بسیاری از ما به کار و اموری مشغولیم، بی‌آنکه با اصول و قواعد حاکم بر این کار آشنا باشیم. همچنین محدودماندن بسیاری از جنبه‌های مربوط به دانش علوم ارتباطات در کشور ما که عمدتاً در همان دانش کلاسیک باقی مانده و کمتر - برای مثال - با روزنامه‌نگاری نوین در عصر فناوری ارتباطات آشنا کنیم. شوربخانه این وضع در حالی است که یا تولیدکنندگان روزنامه‌نگاری برای آشنایی با تکنیک‌های نوین از خود رغبتی نشان نمی‌دهند و فقط به برداشت شکلی از آن بسنده کرده‌اند یا هر آنچه در این زمینه منتشر شده کمتر مورد توجه شاغلان این رشته قرار گرفته است. علاوه‌بر اینها مشکل دیگر اهتمام اندک مراکز دانشگاهی به کیفیت محصولاتی از این دست است که منتشر می‌شود. به‌عبارت دیگر تولید نظریه بومی در عرصه ارتباطات نه‌تنها محدود است، بلکه آنچه از آثار دیگران نیز برگردان می‌شود، گاه



**این کتاب عمدتاً به عنوان یک منبع  
یادگیری و آموزشی نوشته شده و مطالعه  
آن نه تنها برای دانشجویان، بلکه همه  
تولیدکنندگان عرصه رسانه‌های جمعی  
مفید و لازم است**

نگاه به تحقیقاتش در این باره می‌نویسد: «مهم‌ترین مشخصه این رفتار باید متعادل کردن ادعاها و اظهاراتی باشد که شاخصه بحث سیاسی است». وی با نقد زبان کلاسیک رسانه‌ها که خود آن را «زبان انتقادی» و مربوط به روزگار سپری شده می‌داند، می‌نویسد: «این زبان برای جلب مشارکت جویی مردم جوامع دموکراتیک باید براساس زیبایی کلام و کیفیت مرغوب آن باشد» (خوش‌چهره، ۱۳۸۱، ص ۱۳-۱۴). پیشنهاد مک نیر برای روزنامه‌نگاری سیاسی دوران مدرن، تلاش در تغییر «دولت دموکراتیک» به «دموکراسی مشاوره‌ای» از طریق تأسیس یک حوزه عمومی سالم است (خوش‌چهره، ۱۳۸۱، ص ۳۳-۶۰). می‌توان گاه برایان مک نیر را نظریه‌پرداز تجویزگرا دانست

است که تولیدکنندگان رسانه‌های جمعی از قواعد حاکم در دوران کلاسیک باید فاصله گرفته و فارغ از رویکردهای ایدئولوژیک دوران پیشاصنعتی و جنگ سرد که به شکل رقابتی در دو جبهه لیبرالیستی غرب و ایدئولوژیک شرق جریان داشت، اکنون با جهانی شدن موضوع انتخابات و به رسمیت شناخته شدن تکثر آرا و نیز توسعه تکنولوژی، لازم است فعالان این حوزه به گونه‌ای با مخاطبان تعامل کنند که قادر باشند تأثیرگذاری خود را در متن تحولات همچنان حفظ کنند. وی در یکی از مقالاتش که در سال ۲۰۰۵ م. با عنوان «روزنامه‌نگاری و دموکراسی» منتشر شد و نویسنده این سطور آن را به همراه دو مقاله دیگر به قلم تئودور گلاسر با عنوان «بازنگری در جایگاه اتاق خبر» و جرمی تانستال با عنوان «روزنامه‌نگاری سیاسی» منتشر کرده و به تبیین نظریات ایشان پرداخت، مدلی از روزنامه‌نگاری عمومی و مدرن را ارائه کرده است (خوش‌چهره، ۱۳۸۱، ص ۳-۴). مک نیر در آن مقاله درصدد پاسخ‌گفتن به این پرسش کلیدی است که «حالا که مردم به کمک توسعه تکنولوژی ارتباطات به شکل گسترده به اطلاعات دسترسی دارند، مطبوعات می‌خواهند با آنان چه کنند؟ به‌ویژه هنگامی که قرار است نقش مطبوعات در ارتباط با سیاستمداران و درجه موفقیت آنها در یک رقابت انتخاباتی به محک گذاشته شود» (خوش‌چهره، ۱۳۸۱، ص ۸-۹). مک نیر تأثیر مطبوعات را بر کیفیت دموکراسی بررسی می‌کند و با



### جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری

قبل از معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری باید خوانندگان را به این نکته توجه داد که مؤلف در فصل نهم و در واقع بخش پایانی کتاب تصریح کرده است که این کتاب به مدلی از روزنامه‌نگاری مدرن اشاره دارد که فرض اصلی در نحوه کارکرد آن، وجود دموکراسی و قبول حق رأی است (ص ۱۵۱). این کتاب همچنین به منظور انتشار منبعی برای یادگیری و آموزش دانشجویان نگارش شده است (ص ۵۳). مک نیر برای برجسته‌سازی بحث آموزشی خود می‌نویسد: «دغدغه ما درباره دنیا آنقدر به آنچه روی داده مربوط نمی‌شود که به آنچه روزنامه‌نگاران به ما می‌گویند که رخ داده است» (همان). در این حال مؤلف به مخاطبانش هشدار می‌دهد که «خوانندگان و مخاطبان امروز رسانه‌ها - برخلاف گذشته - به دلایل مختلف، خوانندگان انتقادی متون هستند» (ص ۵۳). از این رو اصرار دارد که روزنامه‌نگاران باید به بازتعریف ساخت و کارشان همت کنند. مک نیر در کتابش با لحاظ نکات یادشده، به پیوند حوزه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی و روزنامه‌نگاری به‌طور مستقل می‌پردازد (ص ۴). او می‌کوشد تا حدودی به حل مشکلی همت کند که به‌زعم او فقدان منابع در زمینه مباحث بین‌رشته‌ای مانند ارتباطات میان‌فرهنگی، روان‌شناسی ارتباطات و دیگر علوم در این زمینه‌ها کمک کند. مؤلف در فصل نخست کتاب می‌پرسد: «ژورنالیسم (روزنامه‌نگاری) چیست؟

### مؤلف در سراسر کتاب خواننده را با تعابیری از هنر روزنامه‌نگاری آشنا می‌کند که برای خوانندگان ایرانی آن تا حدود زیادی تازه و در عین حال جذاب است، مثل رقابت و سلطه، تکتگرایی - مادی‌گرایی، انتقادی - هنجاری و نظایر آنها

که هر کجا ساخت و کار سیستم‌های رسانه‌ای و تولیدکنندگان آن را نقد می‌کند، بلافاصله دیدگاه‌های تجویزی‌اش را نیز ضمیمه می‌کند؛ همان‌گونه که در کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری رفتار کرده است. بدین ترتیب او در همه مقالات و، البته در این کتاب، در پی پاسخ‌گفتن به این سؤال است که کارگزاران رسانه‌ها و به‌ویژه روزنامه‌نگاران در جوامع امروزی چگونه خواهند توانست به‌عنوان یک شریک منصف در تحولات تأثیرگذار بوده و اعتبار خود را با حفظ واقع‌گرایی نزدیک به حقیقت حفظ کنند.

امریکایی و انگلیسی در دستور کار دارند و مدلی از روزنامه‌نگاری در جوامع تازه‌رسته از بندهای ایدئولوژیکی شرق و جوامع در حال توسعه (ص ۱۱۳-۱۱۷). در عین حال او در معرفی مدل لیبرالیستی به تفاوت میان رویکردهای هریک از طیف‌های دو سطح یاد شده می‌پردازد. برای مثال او معتقد است برخلاف روزنامه‌نگاری در جامعه امریکایی که تلاش شده دولت تا حد ممکن از مدیریت و مداخله مستقیم در کار رسانه‌ها پرهیز کند، اما در بریتانیا این رویکرد به طرز محافظه‌کارانه موردکم‌توجهی قرار گرفته است؛ اگر چه رسانه‌ها به‌رغم مدیریت‌های دولتی توانسته‌اند الگویی از کار با احساس مستقل را تجربه کنند، سطح دوم از تحلیل کارکردی رسانه‌ها در کتاب مک نیز به طیف‌هایی مربوط می‌شود که او آنها را دموکراسی‌های جدید اروپای شرقی و مرکزی دانسته و با عنوان «دموکراسی‌های اضطرابی» از آنها یاد می‌کند (ص ۸۵-۸۸). وی بر این باور است که اگر چه دموکراسی‌های اضطرابی تا رهاشدن از قیدوبندهای ژنتیک‌شده از دوران حاکمیت رژیم‌های ایدئولوژیک گذشته فاصله دارند، هنوز نباید محیط اجتماعی تأثیرگذار بر کمیت و کیفیت تولیدات رسانه‌ای آنها را نادیده گرفت.

**در کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری  
خواننده به‌طور ملموس با پیوند عمیق  
جامعه‌شناسی با تولیدکنندگی رسانه‌ای  
آشنا می‌شود و می‌آموزد که روزنامه‌نگاری  
به‌لحاظ ماهوی و کارکردی با گفتمان‌های  
دیگر حتی هنر نویسندگی و داستان و  
فیلمنامه‌نویسی متفاوت است**

همچنین است جوامع بسته‌های مانند عربستان سعودی که عوامل رسانه‌ای کارگزاران مستقیم دولت یا وابستگان آنها هستند. مک نیز با سمپاتی به جوامع سطح نخست، هدف خود را متوجه رسانه‌های جوامع سطح دوم می‌کند و در این میان می‌کوشد که الگویی راهگشا برای ایشان از روزنامه‌نگاری مدرن ارائه کند. البته او از دایره انصاف خارج نشده و معتقد است که رسانه‌ها اعم از هر دو سطح یاد شده همچنان متأثر از سه متغیر کلیدی هستند: اقتصاد، بوروکراسی و فشارهای طبیعی برخاسته از الزام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک که در هریک از جوامع ویژگی‌های بومی خود را دارد. درست همین‌جاست که او برای جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری مصداق آورده و آن را از مقالات و تحقیقات دانشگاهی یا حرفه روابط عمومی و خلاصه هر چیزی که می‌خواهد به حرفه روزنامه‌نگاری تنه بزند، متفاوت می‌کند (فصل‌های اول، پنجم و هشتم).

**تأثیر متقابل روزنامه‌نگاری و جامعه‌شناسی**

در کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری خواننده به‌طور ملموس با پیوند عمیق جامعه‌شناسی با تولیدکنندگی رسانه‌ای آشنا می‌شود و می‌آموزد که روزنامه‌نگاری به‌لحاظ ماهوی و کارکردی با گفتمان‌های دیگر حتی هنر نویسندگی و داستان و فیلمنامه‌نویسی متفاوت است و اگر چه از این هنرها بهره می‌برد، هیچ‌کدام از آنها نیست. مؤلف می‌نویسد:

و با حفظ اعتدال در وضع پست‌مدرن، روزنامه‌نگاری چه چیزی نیست؟ وقتی در فرهنگ معاصر بین تحصیلات، اطلاعات، آگهی‌ها، بین هنر و هجویات، بین بالا و پایین، خط معلومی وجود ندارد و گاه جدال برانگیز هستند، مرز بین روزنامه‌نگاری و غیر آن کجاست؟ و آیا چنین مرزی وجود دارد؟ این خط وجود دارد، زیرا اهمیت جامعه‌شناسان ارتباط روزنامه‌نگاری به میزان زیادی از انتظارات مؤلف، یک شکل و محتوای مشخص افزایش می‌یابد و بر این اساس مشخصات برجسته‌شده مرز میان روزنامه‌نگاری با غیر آن را معلوم می‌کند» (ص ۱۲).

مؤلف بحث مفهومی خود را در دو بخش و نه فصل ارائه کرده است. بخش نخست شامل سه فصل (مقدمه، جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری و تأثیرات روزنامه‌نگاری) است و بخش دوم که به عوامل تولید روزنامه‌نگاری در شش فصل با عناوین زیر می‌پردازد: فرهنگ حرفه‌ای و تصمیم‌گیرندگان سازمانی روزنامه‌نگاری؛ محیط اقتصادی؛ محیط تکنولوژی؛ منابع جامعه‌شناسی؛ و سرانجام «از کنترل تا آشوب» که مؤلف می‌کوشد هرچند عجولانه، مدلی ارائه کند از آنچه تلاش داشته از ابتدا تا انتهای کتاب به آن بپردازد.

مؤلف در سراسر کتاب خواننده را با تعبیری از هنر روزنامه‌نگاری آشنا می‌کند که برای خوانندگان ایرانی آن تا حدود زیادی تازه و در عین حال جذاب است، مثل رقابت و سلطه، تکثرگرایی - مادی‌گرایی، انتقادی - هنجاری و نظایر آنها که می‌تواند روزنامه‌نگاران را در فهم تحولات نوین حوزه کاریشان در تعامل با محیط اجتماعی یاری دهد. دانشجویان علوم ارتباطی با مطالعه این کتاب به چگونگی اعمال قدرت رسانه‌ای در جوامع مدرن امروزی پی برده و در عین حال راهکارهای مدیریت رقابت هوشمندانه در محیط رسانه‌ای را می‌آموزند (فصل سوم و پنجم).

مؤلف بنای بحث خود را بر پایه معرفی روزنامه‌نگاری مدرن قرارداده و همان‌گونه که در بالا اشاره شد، فرض اصلی وجود دموکراسی و به‌رسمیت‌شناخته‌شدن حق رأی در جوامعی است که قرار است ارتباط جامعه‌شناسی و روزنامه‌نگاری در آن مورد بررسی قرار گیرد (فصل چهارم). از این‌رو کتاب توصیف روزنامه‌نگاری از دوران کلاسیک (به‌عنوان بازتاب‌دهنده نیاز جامعه تازه صنعتی‌شده و روبه‌تغییر) تا عصر مدرن است. مؤلف با لحاظ مختصات اجتماعی هریک از دوران یادشده و تفاوت‌های آنها راهکارهایی را برای کارآمدی رسانه‌ها در عصر حاضر ارائه می‌کند (فصل چهارم). دیدگاه‌های تجویزی او ربط مستقیم با خصلت‌هایی دارد که از محیط اجتماعی روزنامه‌نگاران (اعم از جوامع مختلف) تأثیر می‌پذیرد. برای مثال مؤلف فصلی از کتاب خود را به معرفی علم جدید اخبار اختصاص داده و تأکید می‌کند که خوانندگان امروز رسانه‌ها برخلاف گذشته مخاطبان انتقادی متون هستند (ص ۶۶ - ۷۰). بدین ترتیب مک نیز معتقد است که در دوران مدرن، گفتمان‌ها نیز با گذشته تفاوت کرده و لازم است روزنامه‌نگاران کلام خود را به‌گونه‌ای آرایش کنند که نتایج موردنظر حاصل شود (ص ۷۹-۸۰). مک نیز قاعده بحث خود را براساس رویکردی لیبرالیستی بنا کرده و از همین منظر به ارائه دیدگاه‌های تجویزی خود می‌پردازد. بنابراین کتاب همواره به دو سطح از روزنامه‌نگاری توجه دارد؛ مدل لیبرالیستی مطلوب خود با خاستگاه‌های کاملاً غربی با اشاره به الگوهایی که رسانه‌های

**ژورنالیسم نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از گفتمان حاکم بر جامعه و ریشه‌های بروز اتفاق‌ها عمل کند. این امر به معنای رابطه عمیق روزنامه‌نگاری با جامعه‌شناسی است**



به عبارت دیگر می‌توان با قبول تکثرگرایی ایدئولوژیک در عرصه ارتباطات، حقیقت را از دل واقعیت‌ها براساس برداشت‌های خود تفسیر و تعبیر کرد. اکنون می‌شود مدل‌های مختلف از روزنامه‌نگاری را ارائه کرد که شامل همه خصلت‌های بومی و ایدئولوژیک باشد، ولی نمی‌توان با مسخ یا انکار واقعیت‌ها در عصر انبوهی امکانات برای دسترسی به حقایق، مخاطبان را در حصار قرارداد. در عین حال همین امر رسانه‌ها را به میدانی برای رقابت رویکردها و ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های رقیب تبدیل می‌کند (فصل‌های دوم و پنجم)؛

۵. علم فقط وقتی موضوع ژورنالیسم قرار می‌گیرد که با خصلت‌ها و نیازهای اجتماعی همراه شود. بنابراین حوادث علمی هنگامی سوژه روزنامه‌نگاری می‌شود که با زندگی اجتماعی مردم تداخل پیدا کند. پس روزنامه‌نگاری به‌طور ذاتی درباره دنیای اجتماعی است تا اینکه بخواهد درباره دنیای طبیعی باشد. روزنامه‌نگار عصر مدرن باید توجه کند که میان مقاله علمی و تولید روزنامه‌ای فاصله است. علم از طبیعت می‌گوید و ژورنالیسم از اجتماع، حتی اگر روش‌های ژورنالیسم همانی باشد که در تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مثل تحقیق، جست‌وجو، مشاهده و بازبینی منابع؛

۶. تأکید بر ماهیت روزنامه‌نگاری به‌عنوان منبعی که سرانجام مخاطبان باید به رخ‌دادها از پشت شیشه‌های عینک ژورنالیسم بنگرند. این کار با روش گزارش، اخبار، مقاله کیفی، تفسیر، دیدگاه و روش‌هایی شبیه به اینها انجام می‌شود. نباید روزنامه‌نگاری را با مدلی خاص محدود کرده و بر این امر اصرار داشت. جوامع شاخص‌های خود را دارند و روزنامه‌نگاری نیز می‌تواند متناسب هر جامعه کاراکتر خود را بیابد، ولی آنچه در همه جوامع ساری و جاری است اینکه روزنامه‌نگاران (اعم از بارون‌های مطبوعاتی تا نیروهای درجه چندم) نزد مردم خود می‌توانند همانند سیاستمداران و صاحبان قدرت مورد تردید قرار گیرند (فصل‌های ششم و هفتم)؛

۷. ممکن است دست‌اندرکاران رسانه‌ای در جوامع خود حتی منفور باشند اما همگان این قاعده اجتناب‌ناپذیر را می‌پذیرند که «ژورنالیسم به‌عنوان یک کالا در زمان تقاضا غیرقابل جلوگیری است»؛ (فصل چهارم)

۸. سرانجام اینکه ژورنالیسم نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از گفتمان حاکم بر جامعه و ریشه‌های بروز اتفاق‌ها عمل کند. این امر به معنای رابطه عمیق روزنامه‌نگاری با جامعه‌شناسی است (فصل هشتم).

مک نیر پس از ارائه تصویری از کارویژه‌های روزنامه‌نگاری در عصر مدرن در فصول بعد به سازوکارهای تولید رسانه‌ای و ارتباط آن با جامعه‌شناسی می‌پردازد. او با بهره‌گیری از جامعه‌شناسی سیاسی و اندیشمندان این حوزه بر این امر تأکید دارد که رسانه‌ها همچنان رکن چهارم دموکراسی هستند. اگرچه در ترجمه کتاب این عنوان وضعیت چهارم معرفی شده است، با این حال مؤلف وظایف زیر را برای تولید رسانه‌ای برمی‌شمارد: حفظ بی‌طرفی و ارائه نقش شریک منصف در مناقشات و تعاملات اجتماعی؛ حمایت و حفاظت از کثرت‌گرایی؛ حراست از فرهنگ و گفتمان دموکراتیک؛ حمایت از آزادی عقلانی؛ ایفای نقش به‌عنوان خدمت‌گزار به علایق عمومی؛ نورافشانی در گستره عمومی و حفظ آن به‌عنوان شرط تصمیم‌سازی اشتراکی منطقی برای تعامل و تصمیم‌گیری (فصل سوم).

اهمیت روزنامه‌نگاری مدرن و ارتباط آن با جامعه‌شناسی، به‌میزان زیادی از انتظارات نویسنده یک شکل و محتوای مشخص برجسته می‌شود. (ص ۱۲-۱۸) در عین حال روزنامه‌نگاری ارتباط مشخصی با جهش‌های اجتماعی و تطورات آن دارد. مصداق این مدعا تولد روزنامه‌نگاری در شروع عصر صنعتی است. بنابراین روزنامه‌نگاری باید دارای چند مشخصه اصلی باشد که این مشخصه‌ها عبارتند از:

۱. حقیقت‌گرایی متکی بر عینت برای اعتمادزایی نزد مخاطب؛
۲. تأکید بر عنصر تازگی اخبار و تفسیر آن (اهمیت این بخش از آن‌روست که مخاطبان به‌لحاظ وجود انبوه رقیبان و انبوهی اطلاعات کلان و خرد به‌سادگی گذشته خریدار مطالب هر رسانه‌ای نمی‌شوند. بنابراین هنر روزنامه‌نگاری در این دوران سخت، مفهوم‌بخشی و سامان‌دهی به اطلاعاتی است که به‌وفور وجود دارد. همین امر وجه تمایز روزنامه‌نگاری موفق با دیگر منابع اطلاعاتی است)؛
۳. مفهوم‌بخشی به شکل روایت و قصه‌نویسی برای داده‌هایی که هیچ احساسی در آنها نیست. برای مثال فهرست اطلاعاتی درباره درجه و فشار هوا که در اختیار همگان قرار دارد، اما روزنامه‌نگار با هنر تیتروزی و آرایش متن هنرمندانه آن را به‌عنوان یک خبر تازه در اختیار مخاطب قرار می‌دهد (ص ۱۴)؛
۴. ارائه مدل‌های روزنامه‌نگاری با تاسی از خاستگاه‌های ایدئولوژیک.

## ژورنالیسم و موانع اجتماعی

آنچه در بالا آمد اشاره به جنبه‌های کارکردی رسانه‌ها و ارتباط آن با جامعه‌شناسی است، ولی همه مواردی نیست که بر کارکرد رسانه‌ها و تولیدکنندگان آن مترتب است، بلکه از همین منظر موانعی بر سر راه تولید رسانه‌ای وجود دارد که به‌طور مستقیم با جامعه‌شناسی مرتبط است.

اعمال سلطه در کار رسانه عنوان کاملی است که می‌توان در این باره به آن اشاره کرد. مک نیر سازوکار اعمال سلطه را در سه سطح بررسی کرده است که این سه سطح عبارتند از: اقتصاد رسانه‌ها در سلسله‌مراتبی از فرایند مدیریت رسانه؛ قدرت‌های سیاسی و قانون‌گذاری‌ها در این امر؛ و طبقه فرهنگی حاکم و مطالبات از رسانه‌ها که به‌معنای توقع از آنها در پذیرش کامل ارزش‌ها و فرهنگ حاکم است. مؤلف دربارهٔ بند آخر معتقد است که تحقق منظور فوق از طریق آموزش روزنامه‌نگاری در هریک از جوامع ممکن است (فصل پنجم). وی در این باره تأکید می‌کند که «تمام جوامع بشری توسط مجموعه‌ای از ارزش‌ها توافق شده، عناصر هسته‌ای و ایدئولوژی‌ها که هدفشان تنظیم روابط و رفتار در قلمروهای متفاوت است به یکدیگر متصل هستند». شاید از همین روست که جان فیسک می‌گوید: «روزنامه‌نگاران یک واحد سلطه‌گری به‌وجود می‌آورند که به علایق سلطه‌گری اجتماعی خدمت می‌کنند» (ص ۳۳).

۹. محتوای خبر (حداقل بخشی از آن) نتیجهٔ شرایط فنی تولید روزنامه‌نگاری است. درواقع متغیر تکنولوژی و فن روزنامه‌نگاری با ایجاد ترغیب نزد مخاطب ارتباط تنگاتنگ دارد. اکنون فناوری فاصلهٔ میان یک رویداد و زمان گزارش‌دادن آن را کاهش داده است. در گذشته وقتی خبر نبرد به خانه‌ای می‌رسید که نبرد تمام شده بود، اما اکنون با توجه به شکستن شکاف زمان و مکان در تهیهٔ خبر، «آنجابودن و اول آنجابودن اصل مهم در رقابت خبری است» (فصل هفتم). بنابراین یکی از موانع جدی برای تولید رسانه‌ای همانا رقابت در بهره‌مندی از فناوری است و سبب می‌شود رقابت میان تولیدکنندگان رسانه‌ای بر سلسله‌مراتبی عمودی صورت گیرد. درواقع مفهوم سلطه‌گری در ارتباطات نیز ریشه در این امر دارد.

۱۰. مطالبات نهادهای قدرت از کارکردهای رسانه‌ای همچنان یکی از اصلی‌ترین موانع تولید رسانه‌ای است که در هریک از جوامع با توجه به محیط سیاسی آن می‌تواند با شدت کمتر یا بیشتر وجود داشته باشد، ولی بدین معنا نیست که برای مثال رسانه‌ها در جوامع دموکراتیک مصون از این مشکل هستند. به هر حال به‌نظر مک نیر اکنون دو نگرش به روزنامه‌نگاری سیاسی وجود دارد. او نگرش‌ها را با دو عنوان جعل می‌کند؛ نگرش‌های «رقابتی و سلطه». نگرش اول به رسانه به‌عنوان تسهیل‌کنندهٔ تکثیرگرایی می‌نگرد و نگرش دوم رسانه را به‌مثابهٔ ابزار کنترل دانسته و فقط در این چارچوب عملکرد آن را تحمل می‌کند (فصل هشتم).

## نقدی بر ساختار کتاب

کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری بی‌تردید یکی از منابع شایسته در حوزهٔ علوم ارتباطی محسوب می‌شود، اما به‌دلیل ضعف‌های ساختاری در ترجمه و ویرایش سبب می‌شود تا دانشجویان و دست‌اندرکاران امر رسانه به‌سختی قادر باشند با آن ارتباطی آسان و مستقیم

برقرار کنند. به‌عبارت دیگر کتاب فاقد شناسه‌هایی است که بتواند به‌راحتی در اختیار خوانندگان قرار گرفته و به‌لحاظ موضوعی با آنان ارتباط برقرار کند. این ضعف نه ناشی از ناتوانی مؤلف در ارائهٔ مفاهیم موضوعی خود بلکه پریشانی در کار ترجمه و انتشار این کتاب آموزشی است. مثلی معروف میان تولیدکنندگان رسانه‌ای است که می‌گوید: این تنها پیام نیست که اهمیت دارد، بلکه آرایش آن از متن پیام نیز مهم‌تر است. مک نیر نیز در کتاب خود بر این امر تأکیدی به‌مراتب بیشتر داشته است. اما به‌نظر می‌رسد شتاب‌زدگی دست‌اندرکاران کتاب در هر دو بخش ترجمه و انتشار سبب شده است که بدیهی‌ترین اصول در کار انتشار کتابی دانشگاهی رعایت نشود. در شناسنامهٔ کتاب هیچ اشاره‌ای به معرفی مؤلف نشده است و خواننده نمی‌داند که قرار است چه موضوعی را با کدام رویکرد مطالعه کند. اگرچه کتاب را دو استاد دانشگاه ترجمه کرده‌اند، ولی ایشان حتی از نوشتن یک مقدمهٔ ساده نیز پرهیز کرده‌اند.

مشکل وقتی بیشتر می‌شود که ببینیم در کار ترجمهٔ کتاب نیز همین کم‌دقتی صورت گرفته است. متن علاوه بر اینکه نیاز به ویرایش

**کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری بی‌تردید  
یکی از منابع شایسته در حوزهٔ علوم ارتباطی  
محسوب می‌شود، اما به‌دلیل ضعف‌های  
ساختاری در ترجمه و ویرایش سبب می‌شود  
تا دانشجویان و دست‌اندرکاران امر رسانه  
به‌سختی قادر باشند با آن ارتباطی آسان و  
مستقیم برقرار کنند**

اساسی دارد، گاه چنان است که اسامی چهره‌ها و منابع معروف نیز از حوزهٔ اطلاعاتی مترجمان یا ویراستاران خارج است. مصداق مدعی بالا بسیاری از صفحه‌های کتاب (از جمله ص ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵ - ۲۸، ۳۸ - ۴۸، ۵۷، ۶۰ - ۶۴، ۶۶، ۶۹ - ۷۲ - ۷۴) است که متأسفانه این موارد به درک مستقیم و بهره‌مندی از کتاب لطمهٔ جدی زده است. بدتر آنکه این ضعف گاه در بخش‌های پایانی هر فصل که اتفاقاً جمله‌های کلیدی در آن آمده است، وجود دارد.

کتاب جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری نیاز به بازبینی در دو بخش ترجمه و ویرایش دارد تا به این وسیله خدمت بیشتری به مراکز دانشگاهی کشور شود. البته نباید از نظر دور داشت که حسن انتخاب این کتاب از سوی مترجمان اقدامی درخور تقدیر است و باید به آن احترام گذاشت. در پایان مطالعهٔ این کتاب ارزشمند به همهٔ دست‌اندرکاران تولید رسانه‌ای و دانشجویان توصیه می‌شود.

## پی‌نوشت:

1. jalal\_kh2001@yahoo.com

## مأخذ:

۱. خوش چهره، جلال (۱۳۸۱). روزنامه‌نگاری سیاسی. تهران: دانشکده خبر.